

فستیوال آوینیون

و تاریخچه آن

فستیوال آوینیون قدیمی ترین و مشهورترین فستیوال تئاتر در فرانسه است که در سال ۱۹۴۷ به وسیله ژان ویلار (J. Villar) بنیان گذاری شد.

به مناسبت تشکیل یک نمایشگاه نقاشی معاصر توسط کریستیان زروو (Ch. Zervos)، منتقد و کلکسیونر نقاشی و رنه شار (R. Char) شاعر، در نمازخانه بزرگ کاخ پاپ‌ها (در شهر آوینیون)، از ژان ویلار، بازیگر و کارگردان تئاتر دعوت شد که یکی از کارهای موفق خود در پاریس، قتل در کلیسای جامع اثر ت. س. الیوت، را در آنجا به نمایش بگذارد. ویلار که به صحنه‌های کوچک عادت کرده بود، در حرکت اول امتناع ورزید زیرا حیاط دیوانخانه کاخ پاپ‌ها به نظرش جایی بیش از اندازه وسیع و بیش از حد بی‌قواره آمد. مع‌ذالک پیشنهاد دیگری کرد: اجرای سه نمایشنامه کم و بیش تازه برای تماشاگران: ریچارد دوم، اثری از شکسپیر که در آن زمان در فرانسه ناشناخته بود. تویی و سارا، از پل کلودل و ایوان جنوب دومین اثر یک نویسنده جوان به نام موریس کلاول (M. Clavel) از همان نخستین فستیوال، در سپتامبر ۱۹۴۷، برنامه آن حاوی آثار کم‌تر شناخته شده رپر توار جهانی و نوشته‌های معاصر بود.

مراحل سه گانه فستیوال

فستیوال آوینیون در دوره تحول خود از سه مرحله گذشته است:

۱- از ۱۹۴۷ تا ۱۹۶۲ ویلار تنها کارگردان در کاخ پاپ‌ها

طی هفده سال، فستیوال در انحصار یک مرد، یک گروه و یک مکان بود و طبعاً یک روح داشت. ویلار تصمیم داشت با تئاتری متفاوت با آنچه در آن زمان در پاریس جریان داشت تماشاگرانی جوان، دقیق و نواندیش برای تئاتر فراهم آورد: «تئاتر، این هنر گروهی، مکانی غیر از سالن‌های در بسته پیدا کند و با

FESTIVAL
D'AVIGNON

گردش دادن در سرسراها، در زیرزمین‌ها، در تالارها و... به این هنر امکان نفس کشیدن بدهد و بالاخر هنر معماری و شعر دراماتیک را با هم آشتی دهد...».

ژان ویلار دلبسته یک گروه از بازیگران بود که در ماه ژوئیه هر سال به آوینیون می‌آمدند و تماشاگرانی را دور خود گرد می‌آوردند که سال به سال تعدادشان بیشتر می‌شد و بر وفاداریشان می‌افزود: ژرار فیلیپ، که قبلاً در سینما مشهور بود، از ۱۹۵۱ با نقش‌های معروف خود سید (از کرنی) و شاهزاده هامبورگ (از کلايست) نماد این فستیوال باقی مانده است.

فستیوال آوینیون بانی و مشوق تحرکاتی در تئاتر شهرستان‌ها و پیشگام تمرکززدایی بود: ژان داسته در سن-آتین، موريس سارازن در نولوز، هوبر سینیو در رن، آندره کلاوه در استراسبورگ.

ویلار یک مرکز دراماتیک دائمی در آوینیون تأسیس نکرد ولی به مدیریت یکی از سالن‌های بزرگ پاریس به نام شایبو منصوب شد که آنجا را «تئاتر ملی مردمی» (TNP) نامید. از آن زمان فستیوال آوینیون و TNP، با بازیگران جوانش، یکی بودند.

ژان ویلار، متولد ۱۹۱۲ در «است» به وسیله شارل دولن در تئاتر آتلیه پاریس تعلیم دید. او از یک هدف دفاع می‌کرد: در تئاتر، فرهنگی در خدمت مردم بسازد: او در آوینیون مجموعه‌ای از نمایش‌ها را به صحنه آورد که در تاریخ ثبت شدند: لورنز اچیو - دن ژوان - هروسی فیگارو - ننه دلاور - جنگ تروا واقع نخواهد شد - و...».

تسا ۱۹۶۴، TNP و فستیوال تنها یک مدیر داشت که بر روی تئاتر «مبارزه جوی فرهنگی» تأکید داشت که میراثی از روحیه بعد از جنگ

بود و خواهان جذب توده‌های وسیع تماشاگر. این یک مناسک، یک آیین، یک مراسم همبستگی گروهی بود که هر تابستان در کاخ پاپ‌ها اجرا می‌شد.

۲ - از ۱۹۶۴ تا ۱۹۷۹: از هم‌پاشیدن فستیوال بی‌تردید ژان ویلار خود اولین کسی بود که می‌دانست احتمال دارد این آیین تبدیل به «روتین» شود. شخصیت‌های دیگری نیز در تئاتر فرانسه گل کرده بودند. سرانجام مدیر TNP از وظایف سنگین خود خسته شد و در ۱۹۶۳ کاخ شایبو را ترک کرد تا خود را وقف فستیوال آوینیون بکند که پیوسته زیر سؤال بود.

ویلار محدودیت فستیوال به TNP را برداشت و راه را برای فعالیت‌های هنری دیگر نظیر حرکات موزون، سینما و موسیقی باز کرد و از کارگردان‌های دیگر نیز دعوت کرد تا نمایش‌های خود را برای تماشاگران آوینیون به صحنه ببرند. از این جمله بود روزه پلانسون (R. Planchon) که از ۱۹۶۶ در آنجا به فعالیت پرداخت. همچنین موريس بزار (M. Béart) که «باله قرن بیستم» را در آوینیون به صحنه آورد.

از آن پس فستیوال آوینیون بازتر و مدیریت آن مشکل‌تر شد. در ماه مه ۱۹۶۸ شورش دانشجویی به فستیوال آوینیون نیز سرایت کرد و بنیان‌گذار آن را مورد اعتراض قرار داد. هرج و مرج روحی به اوج رسیده بود و ژان ویلار با آنکه همیشه از گفت‌وگو با جوانان با روی باز استقبال می‌کرد، از این وضع به‌طور علاج‌ناپذیری رنجور شد و در ۱۹۷۱ بر اثر سکته قلبی درگذشت. معاون او پل پوئو (P. Puaux) سعی کرد راه او را ادامه دهد.

در دهه ۷۰، حیاط دیوانخانه کاخ پاپ‌ها به چاوشان حرکت تمرکززدایی و وارثان TNP ویلار سپرده شد: ژرژ ویلسون، آنتوان بورسیه، مارسل مارشال، گابریل گازان، گی رتوره، هنریسون و... فضاهای صحنه‌ای نیز

در صومعه‌ها و نمازخانه‌های شهر آوینیون گشوده شد که با زیباشناسی ویلاری قطع رابطه کردند و متن‌های جدید به وسیله کارگردان‌های بسیار جوان در آنجاها روی صحنه رفتند.

به موازات فستیوال یک حرکت خارج از فستیوال نیز خلق شد که زیر عنوان «off» گروه‌های آزادی را که می‌خواستند از تماشاگران فستیوال بهره بجویند در خود گرد آورد. آنها بی‌آنکه از سوی مدیریت فستیوال انتخاب یا دعوت شده باشند می‌خواستند در حرکتی که تبدیل به جشن بزرگ تابستانی تئاتر شده بود مشارکت جویند.

۳- از ۱۹۸۰ تا امروز: آوینیون، پایتخت همه تئاترها

در ۱۹۸۰ فستیوال آوینیون بر سر یک دوراهی قرار گرفت: دیگر نمی‌توانست بر وفاداری یک مؤسسه تئاتری، که قبول کند نمایش تازه خود را پیش از نخستین اجرا در آوینیون نشان دهد، تکیه کند. تحت حمایت مالی و یارانه‌گیری دولت نیز نبود. می‌ماند در قالب یک رژی شهرداری اداره شود. برای جذب نسل جدید خلاقان تئاتر، فستیوال بایستی امروزی‌تر و حرفه‌ای‌تر می‌شد.

پل پونو، که علاقه‌مند بود خود را وقف تاریخ ماجراهای دوره ویلار بکند، در ۱۹۷۹ خانه ژان ویلار را تأسیس کرد و تصمیم گرفت مدیریت فستیوال را به یک مدیر جوان‌تر، به نام برنارد فوردارسیه (Bernard Faivre d'Arcier) بسپارد. فستیوال بر مبنای یک ساختار حقوقی مستقل موفق به کسب استقلال اداری خود شد. دولت وارد بطن شورای اداری آن شد: در طی سال‌ها، وزارت فرهنگ تبدیل به تأمین‌کننده اصلی بودجه معمولی فستیوال خواهد شد. گروه تشکیلاتی برای رویارویی با ضروریات مدیریتی مدرن و انتظارات فنی بسیار پیچیده گسترش یافت. امکانات حیاط دیوانخانه برای پذیراشدن «تئاتر دوسولی» و گروه آریان

منوشکین در ۱۹۸۲ تغییر یافته است. نسل جدید تئاتر نیز مثل گروه‌های حرکات موزون با قدرت وارد میدان می‌شوند...

در ۱۹۸۵، آلن کرومبک (A. Crombecque) مدیر سابق فستیوال پاییز، برای مدت هشت سال زمام امور فستیوال آوینیون را به دست گرفت. او با پافشاری روی حضور شعرای معاصر، برنامه‌های موسیقایی و گشودن درهای فستیوال به روی تمدن‌های غیراروپایی، نشان شخصی خود را بر اعتمادی که به نسل تئاتری او ابراز شده بود افزود.

از مه‌بهاراتای پیتر بروک تا برنامه تئاتری و موسیقایی ۱۹۹۲ مختص به امریکای اسپانیایی‌زبان، در واقع آوینیون بیش از پیش دروازه‌هایش را به روی خارج گشود.

با بازگشت آلن کرومبک به مدیریت فستیوال پاییز (به خاطر درگذشت بنیان‌گذار آن میشل گی)، برنارد فوردارسیه، به درخواست شهر و دولت، برای یک دوره پنج‌ساله (۱۹۹۷-۱۹۹۳) دوباره مدیریت فستیوال را به عهده گرفت با همکاری کریستیان بوربونو (Ch. Bourbonnaud) که مدیریت نمایش‌ها را عهده‌دار است. هدف این بار تصریح شده است: رشد و گسترش کارآیی و نوآوری فستیوال و تبدیل فستیوال به قلب یک قطب دائمی تئاتر در مشارکت با «شارتروز دو ویلنو و -لز- آوینیون» (که مرکز اقامت نویسندگان است) و سن‌لویی داوینیون، پایگاه مرکز ملی تئاتر و انستیتیوی عالی فنون نمایشی.

بنابراین تاریخ فستیوال آوینیون تاریخ یک تداوم و استمرار بزرگ است: در عرض پنجاه سال فقط چهار مدیر به خود دیده است ولی با تحولی عمیق مواجه بوده است: از یک مرکز یگانه (تنها یک گروه و تنها یک مکان) به یک عرصه هنری بی‌شمار (پنجاه نمایش) رسیده که در بیش از بیست مکان صحنه‌ای کاملاً متفاوت تقسیم می‌شود.